

## تحقیقات ایرانی پزشکی هژبر و پلنگان منم

خالقی مطلق، جلال

### برشک هژبر و پلنگان منم

از جمله ابیات تاریک شاهنامه یکی نیز بیتی است در داستان رستم و سهراب، آنجا که تهمینه دختر شاه سمنگان نیم‌شب وارد خوابگاه رستم می‌گردد و در پاسخ رستم که حیرت زده از نام و قصد او می‌پرسد، می‌گوید:

چنین داد پاسخ که تهمینه‌ام تو گوئی که از غم به دو نیمه‌ام یک دخت شاه سمنگان منم برشک هژبر و پلنگان منم

بحث ما بر سر مصراع آخرین است. آنچه در این مصراع بر ما نامعلوم است دوتا است: یکی ضبط درست کلمه اول است که تنها محل اختلاف میان نسخ شاهنامه در مورد این بیت است، و دیگر معنی این مصراع است.

در نسخ شاهنامه آنچه تا بحال نگارنده دیده است کلمه اول این مصراع به دو صورت ضبط شده است. یکی بصورت "برشک" در نسخه کتابخانه ملی فلورانس مورخ ۱۱۴ هجری (که فعلاً قدیم‌ترین نسخه موجود شاهنامه است) و در نسخه موزه بریتانیا "پزشک" در نسخه بی تاریخی از همین انستیتو از اواسط سده نهم هجری. و دیگر بصورت هجری و در نسخه بی تاریخی از همین انستیتو از اواسط سده نهم هجری. و دیگر بصورت "پزشک" در نسخه موزه بریتانیا مورخ ۶۷۵ هجری و در نسخه دار الکتب قاهره مورخ ۷۴۱ هجری و در نسخه دیگری از همین کتابخانه مورخ ۷۹۶ هجری و در نسخه کتابخانه دولتی برلن شرقی مورخ ۷۹۴ هجری. گویا در بعضی از نسخ جدیدتر این کلمه را به "ز پشت" تغییر داده‌اند و از آنجا وارد شاهنامه‌های چاپ مول (۹۲/۴۱/۲) و چاپ بروخیم (۹۲/۴۳۸/۲) و چاپ مسکو (۷۱/۱۷۵/۲) شده است. ولی مصححان شوروی بعداً "در چاپ دومی که از شاهنامه تهیه کردند این کلمه را به "برشک" تصحیح نمودند (۷۱/۱۹۰/۲). شادروان مینوی در تصحیح خود از این داستان (چاپ بنیاد شاهنامه، بیت ۷۰) این کلمه را "پزشک" خوانده است و در حاشیه همان صفحه نوشته است: "بزشک یا بزشک ضبط نسخه‌های قدیم است و بعضی نسخ جدیدتر "برشک" دارند، در چاپ مسکو "ز پشت" است ولی این مسلماً "تغییری است که دیگران در شعر داده‌اند".

بنابراین تا زمانیکه قرائت و تصحیح دیگری از این کلمه نشود فعلاً "میتوان آنرا به دو صورت خواند و معنی کرد: یکی بصورت "برشک" به معنی "مقصد غیرت و حسد" و دیگر بصورت "پزشک" به معنی "طبيب". ولی بهریک از این دو صورت که این کلمه را بخوانیم و معنی کنیم باز این مصراع ظاهراً مفهوم درستی بدست نمیدهد. شادروان مینوی هم که چیزی از این مصراع دستگیرش نشده بود در جلوی آن نشان (?) گذاشته است و در دنباله مطلبی که قبلاً از او نقل شد افزوده است: "معنی بر من روشن نیست. شاید بتوان چنین تأویل کرد که: مراد از هژبر و پلنگان دلاوران و پهلوانان است، و او می‌گوید دیدار و معاشرت من چنان مطلوب است که از برای جنگجویان و دلیران در حکم طبیب است از برای بیماران".

در همین داستان رستم و سهراب بیت دیگری نیز هست که گمان میکنم به حل مشکل مصراع مورد بحث تا حدودی کمک میکند. وقتی رستم در جستجوی رخس پی او را دنبال میکند آمده است:

چو نزدیک شهر سمنگان رسید خبر زو به شاه و بزرگان رسید

در ضبط این بیت شاهنامه‌های چاپ مول (بیت ۵۴) و چاپ بروخیم (بیت ۵۴) و چاپ‌های اول و دوم مسکو (بیت ۳۹) و چاپ مینوی (بیت ۳۸) همه اتفاق کامل دارند و باوجود این به گمان من ضبط درست مصراع دوم آن غیر از این است.

از میان نسخی که در آغاز این گفتار ذکر آنها رفت تنها نسخه موزه بریتانیا مورخ ۱۷۵ و نسخه قاهره مورخ ۷۴۱ و نسخه بی تاریخ شوروی دارای ضبط بالا هستند. بقیه نسخ از این مصراع ضبط دیگری دارند: در نسخه فلورانس مورخ ۱۱۴ و در نسخه لنینگراد مورخ ۷۳۴ و در نسخه شوروی مورخ ۸۹۴ آمده است: خبر زو به شیر و پلنگان رسید.

و در نسخه قاهره مورخ ۷۹۶ و نسخه موزه بریتانیا مورخ ۸۴۱ و نسخه برلن مورخ ۸۹۴: خبر زو به شاه پلنگان رسید.

و در نسخه پاریس مورخ ۸۴۴: خبر زو بنزد پلنگان رسید.

بدین ترتیب هم قدیم‌ترین نسخه موجود شاهنامه و هم اکثریت نسخ شاهنامه در این مصراع ضبط "شیر و پلنگان" و یا "شاه پلنگان" و یا "بنزد پلنگان" دارند و البته احتمال اینکه فردوسی گفته باشد "خبر زو به شاه و بزرگان رسید" و کاتبان این عبارت روشن و مفهوم را به صورت‌هایی که دیدیم تغییر داده باشند آن چندان نیست که احتمال عکس آن، یعنی اینکه فردوسی محتملاً گفته بوده است "خبر زو به شیر و پلنگان رسید" ولی بخاطر غرابتی که در این عبارت بوده نخست به "شاه پلنگان" و سپس به "شاه و بزرگان" تغییر داده شده است. این حدس بخصوص وقتی تأیید میگردد که می‌بینیم میان ضبط "خبر زو به شیر و پلنگان رسید" و مصراع مورد بحث ما که تهمینه میگوید: "برشک هزبر و پلنگان منم" آشکارا ارتباطی است.

اما چه ارتباطی میتواند میان این دو مصراع باشد؟ به گمان من این ارتباط که گویا در هردو مصراع کلمات "پلنگ" و "شیر" (و "هزبر" که در عربی به همان معنی "شیر" است) در شمار استعارات مدحی که به پهلوانان و جنگیان میدهند نیست، بلکه محتملاً نام و القاب خاصی هستند برای شاه و دلاوران و بزرگان شهر سمنگان و یا مثلاً نام یا لقب دو طایفه مهم این شهر که بر سر قدرت با یکدیگر رقابت داشته‌اند، از جمله برسر و چون آن بر ما روشن نیست، ولی شاید در مآخذ دیگر مطلبی در تأیید آن بدست آید. هدف نگارنده از این مختصر در درجه اول این بود که نظرها را متوجه ضبط "خبر زو به شیر و پلنگان رسید" و ارتباط آشکار آن با مصراع "برشک هزبر و پلنگان منم" کرده باشم.